

**Rethinking the Legal Effects of the ICJ Advisory Opinions in the Light  
of 2021 ITLOS Judgment in the Mauritius/Maldives Case**

**Alireza Ranjbar \***  
**Hamid Alhouei Nazari \*\***

**(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2022.254158**

**(DOR) : 20.1001.1.2251614.1401.39.68.4.4**

**Abstract**

There is almost a consensus, in the case law of International Court of Justice and the opinions of its Judges, as well as in the doctrine, regarding the non-binding nature of the Advisory Opinions of the Court. However, there is a disagreement about the legal effects of the Advisory Opinions of the International Court of Justice. The very recent ruling by the Special Chamber of the International Tribunal for the Law of the Sea in the Mauritius/ Maldives case in preliminary objections, relying on the International Court of Justice's 2019 Advisory Opinion in the “Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965”, led to the rejection of one of the Maldivian government's preliminary objections. This raises the question that what credibility can be given to the legal effects of ICJ Advisory Opinions under International Law. Although most experts believe that the legal effects of the Court's Advisory Opinions cannot be ignored, it seems that it is not possible to consider a single ruling on the legal effects of all Advisory Opinions, but rather to determine the criteria by which the weight of the legal status of each Advisory Opinion should be evaluated and reviewed separately.

**Keywords**

International Court of Justice, Advisory Opinion, International Dispute Settlement, International Tribunals, Precautionary Jurisdiction, Discretion.

---

\* Corresponding Author, Ph.D. Student of Public International Law, University of Tehran, Faculty of Law and Political Sciences,, Tehran, Iran, alirezaranjbar@ut.ac.ir

\*\* Assistant Professor, University of Tehran, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, Tehran, Iran, soohan@ut.ac.ir



## بازاندیشی در آثار حقوقی نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرتو رأی ۲۰۲۱ شعبه ویژه دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در قضیه موریس / مالدیو

علیرضا رنجبر \*

حمید الهویی نظری \*\*

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2022.254158

(DOR) : 20.1001.1.2251614.1401.39.68.4.4

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴

### چکیده

در خصوص غیرالزام‌آور بودن نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، هم در رویه قضایی دیوان و نظرات قضات آن و هم در دکتترین تقریباً اتفاق نظر وجود دارد. با وجود این، در خصوص آثار حقوقی نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری شاهد تعدد آرا هستیم. رأی اخیر شعبه ویژه دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در قضیه موریس / مالدیو در مرحله رسیدگی به اعتراض مقدماتی، که با استناد به نظر مشورتی ۲۰۱۹ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مجمع‌الجزایر چاگوس، منجر به رد یکی از اعتراض‌های مقدماتی دولت مالدیو شد، این پرسش را مطرح می‌کند که از منظر حقوق بین‌الملل، چه وزن و اعتباری را می‌توان برای آثار حقوقی نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری قائل شد؟ اگرچه اکثر صاحب‌نظران بر این باورند که نمی‌توان آثار حقوقی نظرات مشورتی دیوان را نادیده گرفت، به نظر می‌رسد در خصوص وزن آثار حقوقی تمام نظرات مشورتی نمی‌توان یک حکم واحد صادر کرد، بلکه باید معیارها و ضوابطی را تعیین کرد که با کمک آن‌ها وزن آثار حقوقی هر نظر مشورتی، جداگانه ارزیابی و بررسی شود.

### واژگان کلیدی

دیوان بین‌المللی دادگستری، نظر مشورتی، حل و فصل اختلافات بین‌المللی، مراجع قضایی بین‌المللی، صلاحیت احتیاطی، صلاحیت

\* نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

alirezaranjbar@ut.ac.ir

soohan@ut.ac.ir

\*\* استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

## مقدمه

نقش آرای ترافی دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل انکارناپذیر است. قاضی دونوگو، رئیس امریکایی دیوان بین‌المللی دادگستری، در اولین سخنرانی خود به‌عنوان رئیس دیوان به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۸ دسامبر ۲۰۲۰، برای تشریح کارکرد رکن قضائی اصلی سازمان ملل متحد، اساسنامه دیوان را به زمین شخم‌زده‌ای تعبیر می‌کند که تدوین‌کنندگان اساسنامه آن را مهیای کاشتن بذر کرده‌اند. به زعم وی، انتخاب و کاشتن این بذرها که در حقیقت، موضوعات مختلف حقوق بین‌الملل هستند بر عهده دولت‌ها است و پس از آن دیوان مسئولیت رسیدگی و پرورش این بذرها را بر عهده دارد.<sup>۱</sup> تأکید ایشان بر کاشتن بذر توسط دولت‌ها بدون شک اشاره به آرای ترافی دارد، در حالی که نظرات مشورتی دیوان نیز ابزار دیگری هستند که به شکلی دیگر فرصت اثرگذاری و ایفای نقش دیوان در تشریح و تدوین مسائل حقوقی بین‌المللی را فراهم ساخته‌اند. بنابراین، دیوان بین‌المللی دادگستری نه‌تنها در عرصه دعاوی ترافی میان دولت‌ها می‌تواند به تحلیل و تفسیر و اصلاح قواعد حقوقی بپردازد، بلکه در میدانی دیگر و در قالب نظرات مشورتی نیز فرصت عرض اندام حقوقی را پیدا کرده است که نباید از آن غافل شد.

صلاحیت مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری برگرفته از صلاحیت مشورتی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی است، اگرچه چارچوب حقوقی و رویه اخذ نظر مشورتی در دو دیوان مذکور تا حدودی با یکدیگر متفاوت‌اند. طبق ماده ۱۴ میثاق جامعه ملل، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی دارای دو صلاحیت «قضایی»<sup>۲</sup> و «مشورتی»<sup>۳</sup> بود. بنا بر این، دیوان مذکور می‌توانست نسبت به ارائه نظر مشورتی اقدام کند. بر این اساس، دیوان متعاقب هر اختلاف یا پرسشی که از سوی شورا یا مجمع به آن ارجاع می‌شد، می‌توانست نظر مشورتی ارائه کند.<sup>۴</sup> دیوان بین‌المللی

1. Speech of Judge Joan E. Donoghue, President of the International Court of Justice, on the occasion of the seventy-fifth anniversary of the Court (video message), 18 December 2020, p. 1.

2. Judicial

3. Advisory

4. Covenant of the League of Nations, 28 June 1919 (entered into force 10 January 1920), Art. 14.

۵. بر اساس صلاحیت مشورتی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، ۲۷ نظر مشورتی صادر شد که اولین آن‌ها در ۱۹۲۲ و آخرین نیز در ۱۹۳۵ بوده است. نکته حائز اهمیت در خصوص این ۲۷ نظر مشورتی آن است که تمام آن‌ها بر اساس درخواست شورای جامعه ملل بوده و مجمع چنین درخواستی نداشته است. بنابراین، موضوعاتی که برای نظر مشورتی در دیوان ثبت شده است، گاهی مربوط به اختلاف بین دو دولت یا بیشتر بوده که به شورا ارجاع می‌شد (و شورا آن‌ها را به دیوان ارجاع می‌داد) و گاهی پرسش‌هایی بود که دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی از شورا تقاضا می‌کردند تا از طرف آن‌ها از دیوان تقاضای نظر مشورتی کند. البته دیوان مزبور در نظریه مشورتی «کارلیای شرقی» به‌طور ضمنی این حق را برای خود محفوظ نگه داشت که با درخواست‌های ارائه نظر مشورتی موافقت نکند. به عبارت دیگر، به اعتقاد دیوان، درخواست صدور نظر مشورتی از سوی شورا یا مجمع جامعه ملل، الزامی بر صدور نظر مشورتی برای این نهاد قضائی ایجاد نمی‌کرد. ن.ک: *Status of Eastern Carelia*, Advisory Opinion, PCIJ, 23 July 1923, p. 29.

دادگستری، در ارتباط با نظرات مشورتی، دارای رویه‌ای کم و بیش مشابه با دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی است، با این تفاوت که جزئیات بیشتری در منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان برای درخواست صدور نظر مشورتی پیش‌بینی شده است.

همان طور که در بند ۱ ماده ۶۵ منشور ملل متحد تصریح شده است، مجمع عمومی یا شورای امنیت می‌توانند درباره هر مسئله حقوقی، و سایر ارکان ملل متحد و مؤسسات تخصصی با تحصیل اجازه از مجمع عمومی و فقط در مورد مسائل حقوقی مطروح در حدود فعالیت‌های خود، نظر مشورتی درخواست کنند. بنابراین، مسئله مطروح برای اخذ نظر مشورتی در دیوان بین‌المللی دادگستری، اول باید وصف حقوقی داشته باشد یعنی در زمره موضوعات حقوق بین‌الملل قرار بگیرد، در حالی که در دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی ظاهراً چنین محدودیتی وجود نداشت؛ و دوم، برخلاف دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی که تنها مجمع و شورا می‌توانستند تقاضای نظر مشورتی کنند، در دیوان بین‌المللی دادگستری غیر از مجمع عمومی و شورای امنیت، سایر ارکان ملل متحد و مؤسسات تخصصی نیز می‌توانند با رعایت شروطی، از دیوان تقاضای نظر مشورتی نمایند. این دو نکته، اصلی‌ترین تمایز بین نظر مشورتی در دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری است. همانند دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری نیز ابتدا به دولت‌های عضو اساسنامه دیوان و در مواردی به یک سازمان بین‌المللی که به تشخیص دیوان، توانایی دادن اطلاعات لازم را داشته باشد، موضوع درخواست نظر مشورتی را اطلاع می‌دهد تا در صورت لزوم، لوایح کتبی یا توضیحات شفاهی خود را ارائه نمایند.<sup>۶</sup>

شایان ذکر است، تا کنون ۲۷ نظر مشورتی از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری صادر شده که اولین آن‌ها در ۱۹۴۸ و آخرین در ۲۰۱۹ در قضیه «پیامدهای حقوقی جدایی مجمع‌الجزایر چاگوس از موریس در ۱۹۶۵»<sup>۷</sup> بوده است. نکته قابل توجه آنکه برخلاف نظرات مشورتی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی که تمام آن‌ها به دنبال درخواست شورای جامعه ملل صادر شده بودند، شورای امنیت تنها یک بار در قضیه نامیبیا در ۱۹۷۱ مطابق با ماده ۹۶ منشور ملل متحد، از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای نظر مشورتی کرد. بی‌میلی شورای امنیت ملل متحد در اخذ نظر مشورتی مورد توجه دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفته است. قاضی عبدالقادی یوسف، در آخرین سخنرانی سالانه خود به‌عنوان رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری

6. Statute of the International Court of Justice, 24 October 1945, Art. 66.

7. *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*.

در صحن شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۰۲۰، این مسئله را به شکلی جالب تشریح کرد.<sup>۸</sup> وی ابتدا بحث خود را با بند ۳ ماده ۳۶ منشور ملل متحد آغاز کرد. این مقرر به ارجاع قضایای ترافیکی از سوی شورای امنیت به دیوان بین‌المللی دادگستری جهت حل و فصل اختلاف اشاره می‌کند که باید در چارچوب اساسنامه دیوان صورت پذیرد<sup>۹</sup> و این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که: من می‌توانم بی‌میلی شورا در توصیه به ارجاع یک اختلاف به دیوان توسط طرف‌های مربوط را درک کنم، مگر اینکه مشخص باشد که هر دو طرف آماده چنین اقدامی هستند. از این گذشته، عبارت بند ۳ ماده ۳۶ به «توصیه» شورا اشاره دارد که از نظر حقوقی الزام‌آور نیست و نمی‌تواند بدون رضایت طرفین اختلاف، برای دیوان، ایجاد صلاحیت کند. بنابراین، بدون اطمینان از رضایت طرفین نسبت به صلاحیت دیوان، ممکن است ارائه چنین توصیه‌ای برای شورا دشوار باشد.<sup>۱۰</sup>

قاضی یوسف از این مقدمه استفاده می‌کند و بلافاصله به سراغ نظرات مشورتی می‌رود: اما درخواست نظر مشورتی موضوع دیگری است. نظر مشورتی [برخلاف آرای ترافیکی] الزام‌آور نخواهد بود و مستقیماً به دولت‌ها خطاب نمی‌شود، اما برای منفعت شورا به منظور روشن شدن یک موضوع حقوقی خاص ارائه می‌شود. در این صورت، شورای امنیت آزاد خواهد بود تا با توسل به چنین نظری هر اقدامی که بخواهد اتخاذ نماید.<sup>۱۱</sup>

به منظور تقویت استدلال فوق، قاضی یوسف به قطعنامه شماره ۵۱/۴۳ مجمع عمومی مصوب ۱۹۸۸ تحت عنوان «اعلامیه پیشگیری و رفع اختلافات و موقعیت‌هایی که ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بیندازند»<sup>۱۲</sup> استناد می‌نماید<sup>۱۳</sup> که به‌موجب آن از شورای امنیت خواسته شده است تا «در صورتی که برای ارتقای پیشگیری و رفع اختلافات یا موقعیت‌ها [ی] تهدیدکننده

8. Speech of His Excellency Judge Abdulqawi Ahmed Yusuf, President of the International Court of Justice, to The Security Council, 18 December 2020 (Upholding international law within the context of fostering close co-operation between the International Court of Justice and the Security Council).

9. بند ۳ ماده ۳۶ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد: «شورای امنیت در توصیه‌هایی که به‌موجب این ماده می‌کند، باید همچنین در نظر داشته باشد که اختلافات حقوقی باید به‌طور کلی توسط طرفین دعوا طبق مقررات اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به دیوان مزبور ارجاع شود». شایان ذکر است، شورای امنیت تنها در ۱۹۴۷ و در خصوص اختلاف بین انگلستان و آلبانی ناشی از برخورد کشتی‌های انگلیسی با مین‌های جای‌گذاری‌شده در کانال کورفو (که انگلستان ادعا می‌کرد توسط آلبانی انجام شده است)، از این اختیار خود استفاده و از طرفین اختلاف دعوت کرد تا اختلاف خود را از طریق ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری حل و فصل کنند که این دعوت منتهی به شکل‌گیری قضیه کانال کورفو (پادشاهی متحده علیه آلبانی) در دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان اولین پرونده طرح‌شده در دیوان شد. ن.ک:

*The Corfu Channel incidents*, SC Res. 22, UN Doc. S/RES/22 (1947), 9 April 1947.

10. Speech of His Excellency Judge Abdulqawi Ahmed Yusuf, *op.cit.*, para. 14.

11. *Ibid.*, para. 15.

12. Declaration on the Prevention and Removal of Disputes and Situations Which May Threaten International Peace and Security, GA Res. 43/51, UN Doc. A/RES/43/51 (1988).

13. Speech of His Excellency Judge Abdulqawi Ahmed Yusuf, *op.cit.*, para. 16.

صلح و امنیت بین‌المللی] مناسب است»، در مراحل اولیه [شکل‌گیری چنین اختلاف یا موقعیتی] درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد هر پرسش حقوقی مرتبط را مدنظر قرار دهد. به اعتقاد قاضی یوسف:

«از زمان صدور این قطعنامه [ارکان سازمان ملل متحد، از جمله شورای امنیت، درباره دیپلماسی پیشگیرانه و نیاز به حل و فصل اختلافات یا پراکندگی موقعیت‌ها در مراحل اولیه، مطالب زیادی گفته شده است. مجمع عمومی بر این عقیده بود که درخواست نظر مشورتی از دیوان می‌تواند نقش مهمی در کار شورا برای جلوگیری از تبدیل موقعیت‌ها یا اختلافات به تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی ایفا کند. من با این دیدگاه موافقم و معتقدم که شورا می‌تواند این احتمال را بیشتر در نظر بگیرد».<sup>۱۴</sup>

اگرچه وصف مشورتی بودن نظرات دیوان، اعتقاد به الزام‌آور بودن آن‌ها را تضعیف می‌کند، با توجه به جایگاه دیوان و نقش و وزن آن در تولید دکترین حقوقی بین‌المللی و مبنای گذاری و جهت‌دهی به اندیشه‌ها و جنبش‌های حقوقی در دیگر نظام‌ها و نهادهای ملی و بین‌المللی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا نظرات مشورتی دیوان را باید تنها به‌عنوان نظراتی غیرالزام‌آور پذیرفت یا ظرفیتی بیشتر را می‌توان برای آن‌ها در نظر گرفت؟ آنچه بر اهمیت این پرسش می‌افزاید این است که شعبه ویژه دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در رأی ۲۰۲۱ خود در قضیه موریس / مالدیو، نظر مشورتی ۲۰۱۹ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه چاگوس را مبنای رأی صلاحیتی خود قرار داد.

فرضیه اصلی این نگاره بر آن است که اصولاً نظرات مشورتی با توجه به عنوان آن‌ها و همچنین با در نظر گرفتن این واقعیت که دولت‌ها رضایت خود را به پذیرش چنین نظراتی از پیش اعلام نمی‌کنند<sup>۱۵</sup> و اساساً چنین سازوکاری نیز در منشور و اساسنامه دیوان پذیرفته نشده است، دارای اثر مشورتی و بالتبع غیرالزام‌آور هستند؛ با وجود این، آثار حقوقی نظرات مشورتی دیوان و تأثیری که این نظرات بر تفسیر قواعد الزام‌آور و شکل‌گیری رویه‌های قضائی و دکترین دارند غیرقابل انکار است.

نظر به مراتب فوق و به منظور پاسخ به پرسش اصلی، در بخش اول این نگاره، ظرفیت

14. *Ibid.*, para. 17.

15. موضوعاتی که برای اخذ نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح می‌شوند، اصولاً مربوط به حقوق بین‌الملل هستند که دولت‌ها رویکردهای مختلف و متفاوتی نسبت به آن‌ها دارند و گاهی مخالف با راهبردهای اساسی آن‌ها در سطح بین‌الملل و سیاست حقوقی خارجی یا داخلی آن‌ها است. بنابراین، نظرات مشورتی دیوان می‌تواند تقویت‌کننده مواضع حقوقی بعضی از دولت‌ها و تضعیف‌کننده مواضع حقوقی بعضی دیگر باشد. به همین دلیل در ماده ۶۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، سازوکاری پیش‌بینی شده است تا در صورت درخواست نظر مشورتی از دیوان، دولت‌ها نیز در کنار سازمان‌های بین‌المللی بتوانند اطلاعاتی را که برای دیوان مفید به نظر می‌رسد، ارائه و به‌صورت مکتوب ثبت کنند.

نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری سنجیده می‌شود و در بخش دوم به تأثیر نظر مشورتی ۲۰۱۹ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه چاگوس بر یافته‌های شعبه ویژه دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در قضیه موریس/مالدیو در ۲۰۲۱ پرداخته خواهد شد.

### الف. ظرفیت‌سنجی نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری

برای مشخص کردن ظرفیت‌های نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری لازم است تا آثار حقوقی این نظرات بررسی شود. اما قبل از ورود به بحث آثار حقوقی نظرات مشورتی، ضروری است در خصوص مبانی حقوقی درخواست و صدور نظرات مشورتی دیوان بیان شود.

### ۱. مبانی و چارچوب حقوقی درخواست و صدور نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری

بر اساس تقسیم‌بندی جیمز کرافورد از نظرات مشورتی، که به نظر می‌رسد بر اساس موضوعات ارجاع شده برای اخذ نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری ترسیم شده است، می‌توان نظرات مشورتی را در سه گروه جای داد: گروه اول، مربوط به اختلافات یا موقعیت‌های خاص ناشی از عملکرد ارگان‌ها و آژانس‌های تخصصی است که نظرات مشورتی دیوان در این خصوص در حکم یک راهنمای معتبر برای نهادهای مزبور تلقی می‌شود؛ گروه دوم، مربوط به اختلافات بین دولت‌هاست که بدون رضایت طرفین اختلاف به دیوان ارجاع شده است و اصولاً مورد اعتراض دولت‌های طرف اختلاف نیز قرار می‌گیرد. ارگان‌های سیاسی ملل متحد (به خصوص مجمع عمومی) از این روش برای مداخله غیرمستقیم دیوان در حل و فصل اختلاف بهره می‌جویند؛ گروه سوم نیز شامل پرسش‌های کلی و انتزاعی از دیوان هستند.<sup>۱۶</sup>

همانند قضایای ترافیعی، مسئله احراز صلاحیت دیوان در درخواست نظریه مشورتی نیز موجود است که البته تفاوت‌هایی با مسئله احراز صلاحیت در قضایای ترافیعی دارد. اگرچه در منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، شروط احراز صلاحیت در صدور نظریه مشورتی به‌طور کامل احصا نشده است، در رویه دیوان این موارد شناسایی شده‌اند که می‌توان آن‌ها را در قالب «صلاحیت اولیه»<sup>۱۷</sup> و «صلاحیت احتیاطی»<sup>۱۸</sup> (صلاحید) بررسی کرد.

در رسیدگی‌های ترافیعی، احراز رضایت دولت‌ها برای رسیدگی به اختلاف آن‌ها از سوی دیوان

16. Crawford, James, *Brownlie's Principles of Public International Law*, Oxford: Oxford University Press, Ninth Edition, 2019, p. 705.

17. Jurisdiction

18. Discretion

ضروری است.<sup>۱۹</sup> احراز از چند طریق حاصل می‌شود.<sup>۲۰</sup> در عوض رضایت، دیوان برای احراز صلاحیت اولیه خود در ارائه نظر مشورتی، دو مسئله را مدنظر قرار می‌دهد: اول، آیا نهاد درخواست‌کننده نظر مشورتی به موجب ماده ۹۶ منشور ملل متحد، صلاحیت درخواست چنین نظری را داشته و شروط تعیین‌شده در این ماده را رعایت کرده است (صلاحیت شخصی)؟<sup>۲۱</sup> دوم، آیا درخواست اخذ نظر مشورتی مربوط به یک موضوع حقوقی است<sup>۲۲</sup> (صلاحیت موضوعی)؟<sup>۲۳، ۲۴</sup> در خصوص مسئله اول، مجمع عمومی و شورای امنیت می‌توانند رأساً درباره هر مسئله حقوقی از دیوان درخواست نظر مشورتی کنند. سایر ارکان ملل متحد و مؤسسات تخصصی نیز به موجب «حق اشتقاقی»<sup>۲۵</sup> که در منشور برای آن‌ها در نظر گرفته شده است<sup>۲۶</sup> و با تحصیل اجازه از مجمع عمومی و فقط در مورد مسائل حقوقی مطروح در حدود فعالیت‌های خود می‌توانند درخواست نظر مشورتی کنند.<sup>۲۷</sup> برای مثال، در قضیه سلاح‌های هسته‌ای، پرسش سازمان جهانی بهداشت این بود که آیا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای توسط دولتی در جنگ، با توجه به آثار بهداشتی و زیست‌محیطی آن، نقض تعهدات این دولت بر اساس حقوق بین‌الملل و ازجمله اساسنامه سازمان جهانی بهداشت هست یا خیر؟ دیوان اعلام کرد هیچ‌یک از وظایف سازمان بهداشت جهانی که در ماده ۲ اساسنامه این سازمان ذکر شده است، صراحتاً به مسئله مشروعیت فعالیت‌هایی که برای بهداشت مضر است اشاره نمی‌کند و به‌علاوه هیچ‌یک از وظایف سازمان،

**19.** *Monetary Gold Removed from Rome in 1943* (Italy v. France, United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland and United States of America), Judgment, I.C.J. Reports 1954, p. 32.

**۲۰.** اعلام رضایت دولت‌ها نسبت به صلاحیت‌داشتن دیوان، به پنج شکل متصور است: اول، وجود شرط صلاحیت برای دیوان در معاهده‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی در صورت بروز اختلاف در اجرا و تفسیر معاهده؛ دوم، موافقت‌نامه دوجانبه یا چندجانبه حل و فصل اختلافات عام یا خاص بین دولت‌ها برای ارجاع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری؛ سوم، صدور اعلامیه اختیاری پذیرش اجباری صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری که می‌تواند مشروط (به موضوع، زمان، یا در ارتباط با کشورهای خاصی) یا کلی باشد، چهارم، موافقت‌نامه خاص بین دولت‌هایی که درباره یک موضوع مشخص دارای اختلاف هستند و بعد از بروز اختلاف تصمیم می‌گیرند اختلاف خود را به دیوان ارجاع دهند؛ پنجم، طرف دیگر به‌صورت ضمنی و در عمل صلاحیت دیوان را می‌پذیرد (به صلاحیت دیوان اعتراض نمی‌کند و وارد دفاع ماهوی می‌شود). حالت‌های اول، دوم و سوم در زمره روش‌های اجباری حل و فصل اختلافات و حالت‌های چهارم و پنجم در زمره روش‌های اختیاری حل و فصل اختلافات قرار می‌گیرند.

**21.** *Jurisdiction ratione personae*

**۲۲.** هم در ماده ۹۶ منشور ملل متحد و هم در بند ۱ ماده ۶۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به حقوقی‌بودن مسئله پرسیده‌شده اشاره شده است.

**23.** *Jurisdiction ratione materiae*

**24.** Aljaghoub, Mahasen M., *The Advisory Function of the International Court of Justice 1946–2005*, Berlin: Springer-Verlag, 2006, p. 39.

**25.** Derivative Right

**26.** Aljaghoub, Mahasen M., *op.cit.*, p. 45.

**27.** Charter of the United Nations, Art. 96; Statute of the International Court of Justice, *op.cit.*, Art. 65(1).



منوط به مشروعیت شرایطی که سازمان باید این وظایف را انجام دهد نیست، در حالی که پرسش سازمان جهانی بهداشت به مشروعیت استفاده از چنین سلاح‌هایی می‌پردازد. بنابراین دیوان درخواست سازمان جهانی بهداشت برای صدور نظر مشورتی را رد کرد.<sup>۲۸</sup>

در خصوص مسئله دوم، دیوان باید احراز کند که آیا درخواست اخذ نظر مشورتی مربوط به یک مسئله حقوقی است یا نه؟ طبیعتاً دیوان به دلیل ماهیت حقوقی خود که در رأی نیکاراگوئه علیه آمریکا نیز مورد توجه قرار گرفت،<sup>۲۹</sup> تنها در خصوص مسائلی می‌تواند اظهار نظر کند که دارای ماهیت حقوقی هستند. در خصوص ماهیت حقوقی موضوع مورد درخواست برای نظر مشورتی، بیان دو نکته حائز اهمیت است: اول، به زعم دیوان، «درخواست مجمع عمومی برای یک نظر مشورتی برای بررسی یک وضعیت با استناد به حقوق بین‌الملل به یک مسئله حقوقی مربوط می‌شود».<sup>۳۰</sup> دوم، دیوان در نظر مشورتی دیوار حائل به این موضوع اشاره می‌کند که ممکن است جنبه حقوقی پرسش از دیوان روشن نباشد ولی این مسئله مانع از احراز صلاحیت دیوان نخواهد بود زیرا در این موارد، دیوان برای خود این اختیار را در نظر گرفته که از طریق تفسیر نسبت به روشن کردن جنبه‌های حقوقی پرسش اقدام کند.<sup>۳۱</sup>

احراز صلاحیت اولیه دیوان برای صدور نظریه مشورتی به این معنا نیست که دیوان می‌تواند صلاحیت خود را اعمال و اجرا نماید زیرا مسائل دیگری باید مورد توجه قرار بگیرد که به صلاحیت احتیاطی یا صلاحیت دیوان مربوط می‌شود. صلاحیت احتیاطی دیوان در حقیقت برای محافظت از یکپارچگی کارکرد قضایی دیوان به‌عنوان رکن قضایی اصلی ملل متحد و ممانعت از سوءاستفاده از رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده است. در منشور یا اساسنامه سازمان ملل متحد، به‌صراحت به این مسئله توجه نشده<sup>۳۲</sup> ولی در نظرات مشورتی دیوار حائل و کوزوو - اعلامیه یکجانبه استقلال به آن توجه شده است<sup>۳۳</sup> و در حقیقت از جمله مسائلی است که

۲۸. شافخ، میرشهیبی؛ «رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص تهدید از سلاح هسته‌ای»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۰ - شماره پیاپی ۱۰۵۴، پاییز ۱۳۷۷، صص ۱۳۱-۱۳۰.

۲۹. *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua* (Nicaragua v. United States of America), Jurisdiction and Admissibility, Judgment, I.C.J. Reports 1984, p. 435, para. 95.

۳۰. *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019, p. 112, para. 58.

۳۱. *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004, pp. 153-154, para. 38.

۳۲. در بند ۱ ماده ۶۵ اساسنامه دیوان از واژه می‌تواند (may) استفاده شده است که قرینه‌ای بر صلاحیت احتیاطی (صلاحیت) دیوان بین‌المللی دادگستری است:

The Court may give an advisory opinion on any legal question at the request of whatever body may be authorized by or in accordance with the Charter of the United Nations to make such a request.

۳۳. *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, op.cit., pp. 156-157, paras. 44-45; Accordance with International Law of the *Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2010, pp. 415-416, para. 29.

در رویه قضایی دیوان ظهور و بسط پیدا کرده است. البته دیوان در بعضی از قضایای مشورتی دیگر - مثل تفسیر معاهدات صلح ۱۹۵۰ یا مصونیت گزارشگر ویژه ۱۹۹۹ - اشاره می‌کند که با توجه به اینکه درخواست نظر مشورتی منعکس‌کننده مشارکت دیوان در فعالیت‌های سازمان ملل متحد است، اصولاً این درخواست نباید رد شود، مگر اینکه «دلایل قانع‌کننده»<sup>۳۴</sup>ی برای دیوان وجود داشته باشد که بر اساس آن دیوان نباید به موضوع ورود کند. بنابراین، پس از احراز صلاحیت اولیه، دیوان باید بررسی کند که آیا دلایل قانع‌کننده‌ای وجود دارد که برای رعایت صلاحیت احتیاطی دیوان، از ارائه پاسخ به پرسش مشورتی خودداری کند یا نه؟

از جمله موضوع‌های مهمی که دیوان برای احراز صلاحیت احتیاطی به آن توجه دارد، کافی بودن اطلاعات و مدارک مورد نیاز برای ارائه نظر مشورتی است. در قضیه صحرائی غربی، دیوان به تعریف اطلاعات و شواهد کافی می‌پردازد که «دیوان را قادر می‌سازد که نتیجه‌گیری قضایی هرگونه مسئله مربوط به وقایع مورد مناقشه را که تعیین آن برای اظهارنظر در مورد مسائل حقوقی در شرایطی که با ماهیت قضایی آن سازگار است، در اختیار داشته باشد».<sup>۳۵</sup> دیوان در قضیه آفریقای جنوب غربی اذعان می‌دارد که «برای اینکه بتواند در مورد پرسش‌های حقوقی اظهارنظر کند، همچنین باید با مسائل مربوط به وقایع (امور موضوعی) آشنا بوده، آن‌ها را در نظر بگیرد و در صورت لزوم در مورد آن‌ها تحقیق کند».<sup>۳۶</sup> گفتنی است، سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند به درخواست دیوان یا به ابتکار خود، اطلاعاتی را در اختیار دیوان قرار دهند. در اساسنامه بعضی از سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو، فائو، سازمان جهانی بهداشت و ایکائو، یا به موجب موافقت‌نامه‌هایی که میان بعضی از سازمان‌های بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری وجود دارد، سازمان‌های مزبور مکلف شده‌اند در صورت درخواست ارائه اطلاعات مورد نظر دیوان، این کار را انجام دهند.<sup>۳۷</sup>

گفتنی است، تنها مثالی که در آن به دلیل فقدان ارائه مدارک و اطلاعات و عدم همکاری یک دولت در تأمین اطلاعات خواسته شده، منجر به عدم احراز صلاحیت برای صدور نظر مشورتی شد، قضیه کارلیای شرقی در دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی است. در این قضیه دیوان پیش‌گفته اظهار می‌دارد ارائه نظر مشورتی در این قضیه مستلزم ارائه اطلاعات از سوی دولت روسیه است و به دلیل عدم همکاری این دولت برای در اختیار گذاشتن اطلاعات مورد نظر

34. Compelling Reasons

35. *Western Sahara*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1975, pp. 28-29, para. 46.

36. *Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970)*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1971, p. 27, para. 40.

37. International Court of Justice (ICJ), *The International Court of Justice: Handbook*, 31 December 2018 (last update), p. 81.

دیوان، این مرجع قضائی نمی‌تواند برخلاف ماهیت خود که یک دیوان دادگستری است، نسبت به ارائه نظر مشورتی اقدام کند.<sup>۳۸</sup> در سوی مقابل، زمانی که اسرائیل در قضیه دیوار حائل تلاش کرد با طرح این ایراد که دیوان بین‌المللی دادگستری اطلاعات و مدارک لازم برای صدور نظر مشورتی را در اختیار ندارد تا دیوان را ترغیب کند برای رعایت صلاحیت احتیاطی درخواست ارائه نظر مشورتی را رد نماید،<sup>۳۹</sup> دیوان در پاسخ به این ایراد اعلام کرد که ارزیابی دیوان از کافی بودن اطلاعات و مدارک برای ارائه نظر مشورتی در هر قضیه باید به صورت موردی بررسی شود.<sup>۴۰</sup> به اعتقاد دیوان، برای ارائه نظر مشورتی در این مورد، با عنایت به گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد و مدارک دقیقی که وی در اختیار دیوان قرار داده است و خود مشتمل بر گزارش‌های گزارشگر ویژه و نهادهای صالح ملل متحد است،<sup>۴۱</sup> دیوان اسناد و مدارک را برای ارائه نظر مشورتی، کافی قلمداد می‌نماید.<sup>۴۲</sup>

علاوه بر دیوان، دولت‌ها نیز نظرات و ملاحظات خود را در خصوص صلاحیت احتیاطی دیوان در قضایای مختلف ابراز می‌نمایند. برای مثال، بعضی از دولت‌ها این ایراد را مطرح کرده‌اند که صدور نظر مشورتی باید در خدمت کارکرد نهاد درخواست‌کننده نظر مشورتی باشد. دیوان به این اعتراض این‌گونه پاسخ می‌دهد که تشخیص این موضوع بر عهده نهاد درخواست‌کننده نظر مشورتی است<sup>۴۳</sup> و دیوان نمی‌تواند به جای نهاد درخواست‌کننده، به ارزیابی مفید بودن نظر مشورتی بپردازد.<sup>۴۴</sup>

دیگر موضوع مهم و مناقشه‌برانگیز که اغلب از سوی دولت‌ها برای ایراد خدشه به صلاحیت احتیاطی دیوان مطرح می‌شود، این است که درخواست نظر مشورتی در خصوص موضوع‌هایی که به‌عنوان اختلاف بین دولت‌ها جریان دارند باید از سوی دیوان رد شوند. به‌موجب اصل رضایت یک دولت برای حل و فصل قضایی اختلافش با دولت دیگر که به «قاعده/ اصل مسکوکات طلا»<sup>۴۵</sup> نیز معروف است و در قضیه‌ای با نام مشابه در دیوان شناسایی شده است،<sup>۴۶</sup> رضایت

38. *Status of Eastern Carelia, op.cit.*, pp. 28-29.

39. *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, op.cit.*, pp. 160-161, para. 55.

40. *Ibid.*, p. 161, para. 56.

41. *Ibid.*, pp. 161-162, para. 57.

42. *Ibid.*, p. 162, para. 58.

43. *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, op.cit.*, p. 115, para. 76.

44. *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, op.cit.*, p. 163, para. 62.

45. Monetary Gold Rule/ Principle

46. اصل رضایت دولت‌ها برای حل و فصل اختلافات میان آن‌ها در مراجع قضائی بین‌المللی، پیش از دیوان بین‌المللی دادگستری و قضیه «مسکوکات طلا» ضبط‌شده در رُم در ۱۹۴۳، در نظر مشورتی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه «کارلیای شرقی» به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل که از جمله از اصل استقلال دولت‌ها ناشی می‌شود، مورد توجه قرار گرفته بود. در این نظر مشورتی، دیوان دائمی دادگستری اذعان می‌نماید «در حقوق بین‌الملل به‌خوبی پذیرفته

دولت‌ها برای ارجاع اختلاف آن‌ها به دیوان ضروری است.<sup>۴۷</sup> بر همین اساس، بعضی از دولت‌ها بر این اعتقادند که درخواست نظر مشورتی در خصوص موضوعاتی که به‌عنوان اختلاف بین دولت‌ها جریان دارند و رسیدگی دیوان به این درخواست‌ها، منجر به دوزدن اصل پیش‌گفته می‌شود. دیوان در قضیه تفسیر معاهدات صلح با بلغارستان، مجارستان و رومانی اذعان می‌کند که اساساً به دلیل ماهیت غیرالزام‌آور نظرات مشورتی، دولت‌های عضو و غیرعضو ملل متحد نمی‌توانند مانع از صدور نظر مشورتی دیوان شوند حتی اگر موضوع درخواست نظر مشورتی مرتبط با پرسش حقوقی‌ای باشد که در عمل بین دولت‌ها در جریان است.<sup>۴۸</sup>

مورد بعدی، استناد به اصل اعتبار امر مختومه<sup>۴۹</sup> است که در قضیه تفسیر معاهدات صلح ۱۹۵۰، دیوان به این اعتراض نیز این‌گونه پاسخ می‌دهد که «نظر مشورتی، نه به دولت‌ها، بلکه به نهادی که صالح برای چنین نظری است ارائه می‌شود».<sup>۵۰</sup> به‌علاوه دیوان «متذکر می‌شود که اصل اعتبار امر مختومه، مانع از صدور نظر مشورتی نمی‌شود. هنگام پاسخ‌دادن به پرسشی که برای ارائه نظر [مشورتی] دیوان مطرح شده است، دیوان هر تصمیم قضایی یا داوری مرتبط را در نظر می‌گیرد».<sup>۵۱</sup>

## ۲. آثار حقوقی نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری

در خصوص الزام‌آور نبودن نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، تقریباً هم در رویه قضایی خود دیوان و نظرات جداگانه و مخالف قضات این نهاد و هم در دکتترین اتفاق نظر وجود دارد.<sup>۵۲</sup>

شده است که نمی‌توان هیچ دولتی را بدون رضایت آن مجبور کرد تا اختلافات خود را با سایر دولت‌ها از طریق میانجیگری یا داوری یا هر نوع روش حل و فصل دوستانه دیگری دنبال کند». ن.ک:

*Status of Eastern Carelia, op.cit., p. 27.*

**47.** *Monetary Gold Removed from Rome in 1943, op.cit.*

**48.** *Interpretation of Peace Treaties (with Bulgaria, Hungary and Romania), Advisory Opinion (1), I.C.J. Reports 1950, p. 71.*

**49.** *Res Judicata*

**50.** *Interpretation of Peace Treaties, op.cit.*

**51.** *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, op.cit., p. 116, para. 81.*

**۵۲.** البته باید به این نکته توجه کرد که اصولاً در اساسنامه آژانس‌های ملل متحد، سازوکاری پیش‌بینی شده است که این آژانس‌ها با کسب مجوز قبلی از مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قالب موافقت‌نامه و در صورتی که دامنه پرسش آن‌ها مربوط و محدود به حوزه کاری و فعالیت خود سازمان باشد، می‌توانند به‌صورت مستقیم از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای اخذ نظر مشورتی کنند که در این موارد خاص، نظرات مشورتی دیوان با رعایت شرایط از پیش تعیین‌شده، الزام‌آور خواهند بود. ن.ک:

*The International Court of Justice: Handbook, op.cit., p. 82.*

برای نمونه، ن.ک: نظر مشورتی ۲۰۱۲ دیوان در قضیه «رای شماره ۲۸۶۷ دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار در مورد شکایت علیه صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی»:

عدم الزام‌آور بودن نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، از مفاد منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز قابل استنباط است زیرا در این دو سند بین «تصمیمات» دیوان که دارای اثر الزام‌آور برای طرفین یک اختلاف مطروحه نزد دیوان است، و نظرات مشورتی که از سوی نهادهای صلاحیت‌دار درخواست می‌گردد، قائل به تفکیک شده‌اند.<sup>۵۳</sup>

دیوان در قضیه تفسیر معاهدات صلح با بلغارستان، مجارستان و رومانی، ضمن پذیرش الزام‌آور نبودن نظرات مشورتی دیوان به دلیل ماهیت مشورتی آن‌ها، اذعان می‌کند که اساساً به همین خاطر است که دولت‌های عضو و غیرعضو ملل متحد نمی‌توانند مانع از صدور نظر مشورتی دیوان شوند حتی اگر موضوع درخواست نظر مشورتی مرتبط با پرسش حقوقی‌ای باشد که در عمل بین دولت‌ها در جریان است.<sup>۵۴</sup> همچنین دیوان در قضایای افریقای جنوب غربی در بخشی از رأی خود با مرور نظام نمایندگی در جامعه ملل، درخواست نظر مشورتی از دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی از سوی شورای جامعه ملل را به‌عنوان آخرین اقدام برای تفسیر در موارد بروز اختلاف در خصوص دستورالعمل کشورهای نماینده برمی‌شمارد. دیوان بلافاصله به این موضوع اشاره می‌کند که «چنین نظری البته الزام‌آور نیست - چنین قصدی هم وجود نداشته که این نظرات الزام‌آور باشند - اما می‌تواند شورا را در عمل به وظایفش یاری رساند».<sup>۵۵</sup>

قضات دیوان نیز در موقعیت‌های مختلف به غیرالزام‌آور بودن نظرات مشورتی دیوان اذعان کرده‌اند. بعضی از قضات دیوان در نظرات مخالف و جداگانه خود در قضایای مختلف بر صرفاً مشورتی بودن این‌گونه نظرات و غیرالزام‌آور بودن آن‌ها برای دولت‌ها تأکید کرده‌اند،<sup>۵۶</sup> در حالی که

---

Judgment No. 2867 of the Administrative Tribunal of the International Labour Organization upon a Complaint Filed against the International Fund for Agricultural Development, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2012, pp. 19-22, paras. 19-27.

به‌علاوه در بعضی از موافقت‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی، برای مثال موافقت‌نامه‌های مقرر سازمان‌های بین‌المللی (مانند موافقت‌نامه مقرر کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آمریکای لاتین یا موافقت‌نامه مقرر سازمان ملل متحد با شیلی/ تایلند) یا کنوانسیون‌های عمومی مزایا و مصونیت‌های ملل متحد/ آژانس‌های تخصصی/ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در صورت بروز اختلاف می‌توانند از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست نظر مشورتی کنند که نظرات دیوان برای اعضای سازمان لازم‌الاجرا خواهد بود. ن.ک:

Ago, Roberto, "Binding" Advisory Opinions of the International Court of Justice", *The American Journal of International Law*, vol. 85, No. 3, July 1991, p. 439.

البته در موارد مذکور نیز الزام‌آور بودن نظر مشورتی، ناشی از ماهیت خود نظر نیست، بلکه ناشی از پذیرش قبلی الزام‌آور بودن نظر مشورتی دیوان از سوی دولت‌های عضو این سازمان‌ها و تبعیت از اصل وفای به عهد است.

**53.** Guilfoyle, Douglas, "The Chagos Archipelago before International Tribunals: Strategic Litigation and the Production of Historical Knowledge", *Melbourne Journal of International Law*, vol. 21, 2021, p. 21.

**54.** Interpretation of Peace Treaties, *op.cit.*.

**55.** *South West Africa (Ethiopia v. South Africa/ Liberia v. South Africa) (II)*, Judgment, I.C.J. Reports 1966, p. 44, para. 81.

**56.** Dissenting opinion of Judge Gerald Fitzmaurice, *Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution*

بعضی قضات دیگر، پا را فراتر گذاشته، ضمن قبول ماهیت مشورتی و غیرالزام‌آور نظرات مشورتی، معتقدند این موضوع «بدین معنی نیست که این نظرات خالی از هرگونه پیامدهای اخلاقی و حتی حقوقی باشند که برآمده از شأن ذاتی نهاد صادرکننده نظر است».<sup>۵۷</sup> حتی بعضی فراتر از این رفته و برای نظرات مشورتی وزن و اعتباری مانند آرای ترفعی در نظر گرفته‌اند زیرا بر این باورند که عملکرد قضایی دیوان، چه در آرای ترفعی و چه در نظرات مشورتی، از طریق اعلام وضعیت حقوقی و ارزیابی وقایع پرونده است که کامل می‌شود؛<sup>۵۸</sup> بنابراین، به نظر ایشان نمی‌توان در وزن قضائی نظرات مشورتی و آرای ترفعی قائل به تفاوت شد. همان طور که در مقدمه بیان شد، قاضی یوسف، رئیس سابق دیوان بین‌المللی دادگستری، در آخرین سخنرانی خود به‌عنوان رئیس دیوان در شورای امنیت سازمان ملل متحد، به غیرالزام‌آور بودن نظرات مشورتی اشاره کرد.<sup>۵۹</sup>

به نظر می‌رسد در خصوص ماهیت غیر الزام‌آور نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، حداقل در میان قضات دیوان اجماع حاصل شده است. اما نه تنها آموزه‌ها نیز به این موضوع توجه و آن را تأیید کرده‌اند، بلکه به شرح و بسط بیشتر آثار حقوقی نظرات مشورتی نیز پرداخته‌اند، هرچند دیدگاه‌های صاحب‌نظران متفاوت است.

برخی به جایگاه برجسته دیوان اشاره می‌کنند و معتقدند به دلیل این جایگاه برجسته، بی‌تردید نظرات آن «برای هر اقدامی که مطابق با یافته‌های نظر مشورتی انجام می‌شود، اثر توجیه‌کننده دارد».<sup>۶۰</sup> بر همین اساس، برخی پا را فراتر گذاشته و این‌گونه استدلال کرده‌اند که «نظرات مشورتی به دلیل داشتن خصوصیت قواعد آمره و جایگاه رفیع دیوان بین‌المللی دادگستری می‌توانند بر درک قواعد حقوق بین‌الملل تأثیر عمیق بگذارند».<sup>۶۱</sup> برخی دیگر، این‌گونه استدلال کرده‌اند که «اگرچه نظر مشورتی نمی‌تواند زمینه‌ساز ایجاد تعهدات قانونی باشد، می‌توان گفت که از «ارزش قانونی و اقتدار اخلاقی»<sup>۶۲</sup> برخوردار است»<sup>۶۳</sup> و در نهایت اینکه «این واقعیت

276 (1970), Advisory Opinion, *op.cit.*, para. 3; Separate Opinion of Judge Sir Gerald Fitzmaurice, *Certain expenses of the United Nations (Article 17, paragraph 2, of the Charter)*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1962, p. 203.

57. Separate Opinion of Judge Azevedo, *Interpretation of Peace Treaties (with Bulgaria, Hungary and Romania)*, *op.cit.*, p. 80.

58. Separate Opinion of Judge Dillard, *Western Sahara*, *op.cit.*, p. 121.

59. Speech of His Excellency Judge Abdulqawi Ahmed Yusuf, *op.cit.*, para. 15.

60. Oellers-Frahm, K., Article 96, In: Simma, B., Khan, D. E., Nolte, G., Paulus, A. (eds.), *The Charter of the United Nations: A Commentary*, vol. II, 3rd ed., 2012, p. 1987, cited in: Mayr, Teresa F., Mayr-Singer, Jelka, "Keep the Wheels Spinning: The Contributions of Advisory Opinions of the International Court of Justice to the Development of International Law", *Heidelberg Journal of International Law*, vol. 76, 2016, p. 430.

61. Mayr, Teresa F., Mayr-Singer, Jelka, , *op.cit.*, p. 426.

62. Legal Value and Moral Authority

63. Aljaghoub, Mahasen M., *op.cit.*, p.12.

که نظر مشورتی فاقد نیروی الزام‌آوری است به این معنی نیست که خصوصیت بیان حقوقی مندرج در آن متفاوت با بیان حقوقی مندرج در آرای توافقی است»<sup>۶۴</sup>؛ به عبارت دیگر، علی‌رغم تفاوت‌های اندکی که میان ماهیت و شکل آرای توافقی و نظرات مشورتی وجود دارد، «قضایای توافقی و مشورتی دیوان اصولاً به شکلی واحد تنظیم می‌شوند [و مورد رسیدگی قرار می‌گیرند]؛ و به همین جهت، هم اساسنامه دیوان (ماده ۶۸) و هم قواعد دیوان (ماده ۱۰۲(۲)) به این امر اشاره دارند که دیوان در رسیدگی‌های مشورتی نیز از همان قواعدی استفاده خواهد کرد که از آنها در قضایای توافقی بهره می‌گیرد. در نتیجه، می‌توان گفت که ارزش استدلالی و رویه‌ای مندرج در آرای توافقی و نظرات مشورتی اصولاً با یکدیگر تفاوتی ندارد»<sup>۶۵</sup>.

علی‌رغم شکل‌گیری اعتقاد حقوقی منسجم در خصوص غیرالزام‌آور بودن نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، آنتونیو کسسه، حقوق‌دان برجسته و قاضی پیشین دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، از اساس به منطق عدم الزام‌آور بودن نظرات مشورتی دیوان تاخته است که استدلال‌های او نیز قابل تأمل است. وی با تفکیک بین امور موضوعی<sup>۶۶</sup> و امور حقوقی<sup>۶۷</sup>، در حالی که غیرالزام‌آور بودن نظرات مشورتی دیوان را مربوط به امور موضوعی قلمداد می‌کند، از سوی دیگر معتقد است زمانی که دیوان در خصوص امور حقوقی اظهارنظر می‌نماید، این نظر الزام‌آور خواهد بود:

«طبق تعریف، نظرات مشورتی دیوان از نظر حقوقی الزام‌آور نیستند. با این حال، جای تأمل دارد که در بیشتر موارد، دیوان مسائل حقوقی مربوط به یک موضوع خاص را بیان می‌کند. این‌گونه پذیرفته شده است که اعمال قانون مربوط به وقایع مورد بحث، در صورت وجود، نمی‌تواند الزام‌آور باشد، اما درک این قضیه دشوار است که چرا حکم دیوان در مورد حقوق بین‌الملل مربوط نباید به یک یافته قضایی معتبر از قانون مربوط مبدل شده و بنابراین، حداقل بالفعل، برای همه تابعان جامعه بین‌المللی الزام‌آور باشد».

وی با اشاره به نظر مشورتی ۲۰۰۴ دیوان در قضیه پیامدهای حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، اذعان می‌کند که:

«نظر متفق‌القول همه قضات، از جمله نظریه مخالف قاضی بورگنتال، این بود که شهرک‌سازی در کرانه باختری مغایر با حقوق بین‌الملل است. اگر چنین است، چرا باید نظر

64. Rosenne, Shabtai, *The International Court of Justice. An Essay in Political and Legal Theory*, A.W. Sythoff, 1961, p. 113.

65. رضادوست، وحید، *دیوان بین‌المللی دادگستری: ساختار استدلالی، رویه قضایی، سیاست حقوقی*، تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۴۰۱، ص. ۴۸.

66. Matter of Fact

67. Matter of Law

بالاترین مقام قضایی حقوق بین‌الملل در ممنوعیت شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی را انکار کرد؟ این قاعده ماهوی حقوق بین‌الملل در حال حاضر صرفاً به دلیل موجودیت آن برای همه دولت‌ها الزام‌آور است و به نوعی «مقدم» بر حکم دیوان است. با این حال، با توجه به قواعد آیین دادرسی در مورد ارزش نظرات مشورتی، یافته‌های دیوان مبنی بر اینکه ساخت دیوار حائل توسط اسرائیل، نقض برخی قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده، در مرحله توسعه کنونی، برای دولت‌ها الزام‌آور نیست».<sup>۶۸</sup>

قاضی کسسه در پایان استدلال‌های خود، این‌گونه نتیجه می‌گیرد که «اگرچه ممکن است یافته‌های مرتبط با وقایع که دیوان در قالب نظر مشورتی در یک قضیه خاص اعلام می‌کند، الزام‌آور نباشد، به نظر من، الزام‌آور بودن هرگونه یافته «انتزاعی» دیوان در مورد مسائل حقوقی برای جامعه بین‌المللی به عنوان یک کل، امری غیرقابل انکار است».<sup>۶۹</sup>

**ب. تأثیر نظر مشورتی ۲۰۱۹ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه چاگوس بر یافته‌های شعبه ویژه دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در قضیه موریس / مالدیو**  
به دلیل استناد شعبه ویژه دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در قضیه موریس / مالدیو به نظر مشورتی ۲۰۱۹ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه موریس، که موافقت‌ها و مخالفت‌هایی را از سوی صاحب‌نظران به دنبال داشته است، در ادامه این دو سند قضائی تجزیه و تحلیل می‌شود.

### ۱. تحلیل نظر مشورتی ۲۰۱۹ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «پیامدهای حقوقی جدایی مجمع‌الجزایر چاگوس از موریس در ۱۹۶۵»

آخرین نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری (تا زمان نگارش این پژوهش) مربوط به قضیه «پیامدهای حقوقی جدایی مجمع‌الجزایر چاگوس از موریس در ۱۹۶۵» است که در ۲۰۱۹ صادر شد که به اعتقاد قاضی گوورگین، نظر مشورتی موریس، مشارکت مهمی هم در بحث حقوق استعمارزدایی و هم در بحث کارکرد مشورتی دیوان داشته است.<sup>۷۰</sup>

اختلاف میان موریس و انگلستان یک قضیه تاریخی است. در حقیقت، همانند تاریخ اکثر جوامع جزیره‌ای که با استعمار پیوند خورده‌اند، اختلاف میان موریس و انگلستان نیز به زمان

68. Cassese, Antonio, "The International Court of Justice: It is High Time to Restyle the Respected Old Lady", In: Antonio Cassese (ed.), *Realizing Utopia: The Future of International Law*, Oxford University Press, 2012, p. 246.

69. *Ibid.*

70. Declaration of Judge Gevorgian, *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019, para. 1.



تحت سلطه‌بودن این جزایر در دوران استعمار بازمی‌گردد.<sup>۷۱</sup> اگرچه برای اولین بار هلندی‌ها در ۱۶۳۸ جزیره موریس را به اشغال خود درآوردند و تا ۱۷۱۰ در آن حضور داشتند، اولین حضور استعماری در این جزیره با حضور فرانسویان در ۱۷۱۵ و تغییر نام جزیره موریس به «ایل دو فرانس یا جزیره فرانسه»<sup>۷۲</sup> بود. در ۱۸۱۰ انگلستان جزیره را به تصرف خود درآورد و مجدداً نام موریس را برای آن برگزید و طی معاهده ۱۸۱۴ بین فرانسه و آن کشور، فرانسه اداره جزیره موریس و اقمار آن را به انگلستان واگذار کرد.<sup>۷۳</sup> در ادامه و با تأسیس سازمان ملل متحد و در پرتو فصل‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ منشور ملل متحد، قیمومت جزیره موریس تا دستیابی به استقلال به انگلستان واگذار شد.

در نوامبر ۱۹۶۵، درست پنج سال پس از آغاز جنبش استعمارزدایی سازمان ملل متحد در دهه شصت - هفتاد میلادی با پیشنهادی با پیشتازی قطعنامه ۱۵۱۴، مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ مجمع عمومی با عنوان «اعلامیه اعطای استقلال به سرزمین‌ها و مردم تحت سلطه»،<sup>۷۴</sup> انگلستان با جداکردن مجمع‌الجزایر چاگوس از موریس و بخشی از جزایر سی‌شل و ترکیب آن‌ها با یکدیگر، اقدام به تأسیس «قلمرو بریتانیا در اقیانوس هند»<sup>۷۵</sup> به منظور استقرار نیروهای نظامی خود در این منطقه جدید کرد.<sup>۷۶</sup> این اقدام بریتانیا طی قطعنامه شماره ۲۰۶۶، مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۵ و تعدادی از قطعنامه‌های بعد از آن مورد اعتراض شدید مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت.<sup>۷۷</sup>

سرانجام در ۷ اوت ۱۹۶۷ انتخابات عمومی در موریس برگزار شد و احزاب سیاسی به استقلال این کشور رأی دادند و در ۱۲ مارس ۱۹۶۸ موریس به یک دولت مستقل تبدیل و در ۲۶ آوریل ۱۹۶۸ به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد. پس از کسب استقلال، جزایر موریس از طریق مجموعه‌ای از اقدامات سیاسی و حقوقی سعی کرده است ضمن اثبات حاکمیت خود بر جزایر چاگوس، دولت انگلستان را برای بازپس‌گیری این جزایر تحت فشار قرار دهد. از جمله اقدامات حقوقی دولت موریس برای بازپس‌گیری حاکمیت خود بر جزایر چاگوس می‌توان به طرح دعاوی متعدد در مراجع قضایی مختلف، از جمله طرح دعوا در محاکم قضایی انگلستان و ارجاع اختلاف به داوری مطابق با ضمیمه ۷ کنوانسیون حقوق دریاهای اشاره کرد.

71. Guilfoyle, Douglas, *op.cit.*, p. 6.

72. Ile de France

73. *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, *op.cit.*, p. 107, para. 27.

74. Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples, GA Res. 1514, UN Doc. A/RES/1514(XV) (1960).

75. British Indian Ocean Territory (BIOT)

76. *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, *op.cit.*, p. 108, para. 33.

77. Question of the Mauritius, GA Res. 2066, UN Doc. A/RES/2066(XX) (1965).

توسل به نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص وضعیت حقوقی جدایی مجمع‌الجزایر چاگوس از موریس در ۱۹۶۵، در زمره آخرین فعالیت‌های حقوقی دولت موریس برای تحت فشار قراردادن دولت بریتانیا بوده است که با تلاش‌های دولت مزبور در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به ثبت می‌رسد و نهایتاً مجمع عمومی در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۷ طی قطعنامه ۷۱/۲۹۲ دو پرسش را برای اخذ نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری به شرح ذیل مطرح می‌کند:<sup>۷۸</sup>

الف) آیا به دنبال جدایی مجمع‌الجزایر چاگوس از موریس و با در نظر گرفتن [تعهدات ناشی از] حقوق بین‌الملل از جمله تعهدات مندرج در قطعنامه‌های ۱۵۱۴، مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰، ۲۰۶۶ مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۵، ۲۳۳۲، مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۶۶ و ۲۳۵۷، مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۶۷ مجمع عمومی، فرآیند استعمارزدایی و استقلال موریس در ۱۹۶۸ به‌طور قانونی تکمیل شده است؟

ب) به موجب [تعهدات ناشی از] حقوق بین‌الملل، از جمله تعهدات مندرج در قطعنامه‌های پیش‌گفته، چه پیامدهایی ناشی از تداوم اداره مجمع‌الجزایر چاگوس توسط پادشاهی متحده انگلستان و ایرلند شمالی، از جمله با توجه به ناتوانی موریس در اجرای برنامه‌ای برای اسکان مجدد اتباعش در مجمع‌الجزایر چاگوس، به‌ویژه اتباع چاگوسی می‌توان برشمرد؟

دیوان پس از احراز صلاحیت برای صدور نظر مشورتی و بررسی وقایع مرتبط با موضوع پرسش، این‌گونه نتیجه می‌گیرد که «به دنبال جدایی مجمع‌الجزایر چاگوس [از موریس]، وقتی دولت موریس در ۱۹۶۸ به استقلال دست یافت، روند استعمارزدایی موریس به‌طور قانونی تکمیل نشده بود»<sup>۷۹</sup> و «بریتانیا متعهد است در اسرع وقت به اداره مجمع‌الجزایر چاگوس پایان دهد».<sup>۸۰</sup>

این نظر مشورتی از چند لحاظ حائز اهمیت است که موارد آن به‌خوبی در نظرات جداگانه یا مخالف بعضی از قضات دیوان منعکس شده است و در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

قاضی تومکا از این موضوع اظهار نگرانی می‌کند که رسیدگی مشورتی می‌تواند جایگزین رسیدگی ترافعی بشود چرا که مجمع عمومی درخواست مشورتی از دیوان را بر اساس طرح مسئله به پیشگامی یکی از طرفین دعوا (ی موریس) آغاز کرده است.<sup>۸۱</sup> آنچه بر اهمیت این موضوع می‌افزاید این است که دولت موریس در ۲۰۰۱ تلاش کرد تا با جلب رضایت انگلستان، موضوع اختلاف خود در خصوص مجمع‌الجزایر چاگوس را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع

78. Request for an Advisory Opinion of the International Court of Justice on the *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, GA Res. 71/292, UN Doc. A/RES/71/292 (2017).

79. *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, *op.cit.*, p. 140, para. 183(3).

80. *Ibid.*, para. 183(4).

81. Declaration of Judge Tomka, *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, *op.cit.*, para. 2.

دهد که بریتانیا مخالفت خود را با این درخواست اعلام کرد.<sup>۸۲</sup>

تعدادی از قضات دیوان از جمله قاضی گورگیان بر این اعتقادند که دیوان نمی‌تواند در نظر مشورتی خود، یک یا چند دولت را مکلف به انجام یا عدم انجام کاری کند،<sup>۸۳</sup> در حالی که همان طور که ملاحظه شد، دیوان به صراحت از تعهد بریتانیا به پایان اداره مجمع‌الجزایر چاگوس سخن به میان رانده است. البته قرائت دقیق نظر دیوان<sup>۸۴</sup> حاکی از آن است که دیوان خود تکلیفی را بر دوش دولت بریتانیا قرار نداده است، بلکه استنباط و نظر دیوان بر این است که بریتانیا به موجب تکالیف این دولت بر اساس حقوق بین‌الملل و بخصوص قطعنامه‌های مرتبط مجمع عمومی، تعهدی دائر بر پایان‌بخشیدن به اداره مجمع‌الجزایر چاگوس دارد. قاضی گورگیان به تفاوت‌های این نظر مشورتی با نظرات مشورتی دیوان در قضایای دیوار حائل و نامیبیا نیز می‌پردازد و به این نکته اشاره می‌کند که قبل از صدور دو نظر مزبور، شورای امنیت در قطعنامه‌هایی به غیرقانونی بودن اقدام‌های اسرائیل و آفریقای جنوبی صحه گذاشته بود، در حالی که در قضیه حاضر، چنین قطعنامه‌ای از شورای امنیت وجود ندارد.<sup>۸۵</sup>

به هر حال، پس از صدور این نظر مشورتی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد به‌عنوان نهاد درخواست‌کننده نظر مشورتی، طی قطعنامه ۷۳/۲۹۵ مصوب ۲۲ مه ۲۰۱۹، ضمن یادآوری این موضوع که «احترام به دیوان و عملکرد آن، از جمله در مقام اعمال صلاحیت مشورتی، برای حقوق بین‌الملل و عدالت و همچنین برای نظم بین‌المللی مبتنی بر حاکمیت قانون ضروری است»، نظر مشورتی دیوان را می‌پذیرد و در مطابقت با آن از انگلستان می‌خواهد هرچه سریع‌تر به اداره مجمع‌الجزایر چاگوس، که تداوم آن نقض تعهدات این کشور بر اساس حقوق بین‌الملل را به دنبال دارد و موجب مسئولیت بین‌المللی آن می‌شود، پایان دهد.<sup>۸۶، ۸۷</sup> یکی از آثار عملی نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «پیامدهای حقوقی جدایی مجمع‌الجزایر چاگوس از موریس در ۱۹۶۵» و متعاقب آن، صدور قطعنامه ۷۳/۲۹۵ در به‌روزرسانی نقشه جهان توسط

82. Dissenting Opinion of Judge Donoghue, *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, op.cit., para. 5.

83. Declaration of Judge Gevorgian, op.cit., para. 5.

84. “[The Court, [b]y thirteen votes to one,] [i]s of the opinion that the United Kingdom is under an obligation to bring to an end its administration of the Chagos Archipelago as rapidly as possible”; see: ICJ, *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, op.cit., para. 183(4).

85. Declaration of Judge Gevorgian, op.cit., para. 6.

86. Advisory opinion of the International Court of Justice on the *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, GA Res. 73/295, UN Doc. A/RES/73/295 (2019).

۸۷. نکته حائز اهمیت در خصوص قطعنامه مجمع عمومی آن است که از دولت‌های عضو سازمان ملل متحد، خود سازمان ملل متحد و آژانس‌های تخصصی آن و همچنین سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و بین‌الدولی می‌خواهد که مجمع‌الجزایر چاگوس را بخشی از قلمرو داخلی موریس قلمداد کنند و در جهت تسریع استعمارزدایی آن، حمایت لازم را به عمل آورده و هرگونه اقدام از جانب «قلمرو بریتانیا در اقیانوس هند» را بی‌اعتبار تلقی کنند.

سازمان ملل متحد منعکس شده است که مجمع‌الجزایر چاگوس آشکارا متعلق به موریس تلقی شده است.<sup>۸۸</sup>

تجربه رأی مشورتی ۲۰۱۹ دیوان نشان داد، اگرچه انگلستان همواره یکی از حامیان دیوان بین‌المللی دادگستری و اقدامات این نهاد از جمله نظرات مشورتی بوده است، «در زمانی که چنین اقداماتی مواضع حقوقی بریتانیا را به خطر می‌اندازد یا تضعیف می‌کند، آماده مقاومت در برابر اعمال وظایف مشورتی دیوان است».<sup>۸۹</sup>

## ۲. تحلیل رأی ۲۰۲۱ شصت و یکمین دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای در قضاة موریس / مالدیو

پس از صدور نظر مشورتی ۲۰۱۹ دیوان در قضیه مجمع‌الجزایر چاگوس، که از لحاظ حقوقی آشکارا به نفع دولت موریس بود، دولت اخیر به اطلاع دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای می‌رساند که به همراه دولت مالدیو قصد دارند اختلاف مرزی خود در خصوص تحدید حدود دریایی را مطابق با ضمیمه ۷ کنوانسیون حقوق دریاهای به آن مرجع ارجاع کنند.

اگرچه این پرونده در خصوص تحدید حدود دریایی بین موریس و مالدیو است، از آنجا که مجمع‌الجزایر چاگوس هم در قسمت مورد اختلاف طرفین قرار می‌گیرد، به نظر می‌رسد که دولت موریس به دنبال تعمیم حاکمیت خود بر این جزایر باشد.<sup>۹۰</sup>

جمهوری موریس در دادخواست و لویای خود، برای تقویت مواضع حقوقی‌اش، به رأی مشورتی ۲۰۱۹ چاگوس استناد کرده است. این امر در کنار سایر موارد، به صورت اجمالی مورد توجه و اعتراض جمهوری مالدیو در لایحه اعتراض مقدماتی این دولت قرار گرفته است و صدور رأی مشورتی را به معنی حل و فصل اختلاف در خصوص حاکمیت بر مجمع‌الجزایر چاگوس بین جمهوری موریس و انگلستان به حساب نمی‌آورد.<sup>۹۱</sup>

88. Eichberger, Fabian Simon, , "The Legal Effect of ICJ Advisory Opinions Redefined? The Mauritius/Maldives Delimitation Case — Judgment on Preliminary Objections", *Melbourne Journal of International Law*, vol. 22, No. 2, July 30 2021, p. 19.

89. Webb, Philippa, "The United Kingdom and the Chagos Archipelago Advisory Opinion: Engagement and Resistance", *Melbourne Journal of International Law*, vol. 21, 2021, p. 20.

90. Thin, Sarah, "The Curious Case of the 'Legal Effect' of ICJ Advisory Opinions in the Mauritius/Maldives Maritime Boundary Dispute", *EJIL: Talk! - Blog of the European Journal of International Law*, 5 February 2021, Available at: <https://www.ejiltalk.org/the-curious-case-of-the-legal-effect-of-icj-advisory-opinions-in-the-mauritius-maldives-maritime-boundary-dispute/>, last seen 8th October 2022.

91. *Dispute Concerning Delimitation of the Maritime Boundary Between Mauritius and Maldives in the Indian Ocean (Mauritius/Maldives)*, Written Preliminary Objections of the Republic of Maldives Under Article 294 of the United Nations Convention on the Law of the Sea and Article 97 of the Rules of the International Tribunal for the Law of the Sea/International Tribunal for the Law of the Sea, 18 December 2019, paras. 14-20.

در تبادل لوایح در مرحله رسیدگی به اعتراض مقدماتی، دو طرف نسبت به بسط مواضع حقوقی خود در قبال اثر نظر مشورتی ۲۰۱۹ چاگوس بر رسیدگی دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در این پرونده پرداختند. جمهوری موریس در لایحه خود، عدم الزام‌آوری مستقیم نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری و داشتن خصوصیت مشورتی برای این نظرات را می‌پذیرد؛<sup>۹۲</sup> با وجود این، در نظر جمهوری موریس «این بدان معنا نیست که نظر مشورتی فاقد آثار حقوقی است. هنگامی که دیوان یک نظر مشورتی ارائه می‌دهد، [آن نظر] یک برداشت معتبر از حقوق<sup>۹۳</sup> در رابطه با موضوع‌هایی است که رسیدگی‌های مشورتی منجر به ارائه آن می‌شود».<sup>۹۴</sup> در سوی مقابل، جمهوری مالدیو به اصل رضایت دولت‌ها برای حل و فصل اختلاف میان آن‌ها در دیوان بین‌المللی دادگستری، که در قضیه مسکوکات طلالی ضبط‌شده در رُم در ۱۹۴۳ مورد شناسایی قرار گرفت،<sup>۹۵</sup> اشاره و اظهار می‌کند که «شکی نیست که نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌تواند به‌طور قطعی اختلاف‌های دوجانبه را حل کند. اصل رضایت به صلاحیت، این امر را غیرممکن می‌کند. حتی اگر برخلاف نظر موریس، نظر مشورتی معتبر باشد، نظر مشورتی چاگوس، اختلاف حاکمیتی را که بین موریس و بریتانیا وجود دارد، حل و فصل نمی‌کند، یا مدعی حل آن نیست».<sup>۹۶</sup>

علی‌رغم استدلال‌های مختلف جمهوری مالدیو، شعبه ویژه دیوان بین‌المللی حقوق دریاها تصمیم‌های دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی ۲۰۱۹ چاگوس را به رسمیت می‌شناسد و اذعان می‌دارد که این نظر را در ارزیابی وضعیت حقوقی مجمع‌الجزایر چاگوس در نظر می‌گیرد.<sup>۹۷</sup> شعبه ویژه از یک سو می‌پذیرد که «نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌توانند از لحاظ حقوقی الزام‌آور تلقی شوند»<sup>۹۸</sup> ولی از سوی دیگر به این موضوع توجه می‌کند که «همچنین به‌صورت برابر پذیرفته شده است که یک نظر مشورتی دربرگیرنده برداشت معتبری (اعلام نافذ) از حقوق بین‌الملل در مورد پرسشی است که دیوان [بین‌المللی دادگستری] به

92. *Dispute Concerning Delimitation of the Maritime Boundary Between Mauritius and Maldives in the Indian Ocean (Mauritius/Maldives)*, Written Observations of the Republic of Mauritius on the Preliminary Objections Raised by the Republic of Maldives, Volume I, International Tribunal for the Law of the Sea, 17 February 2020, para. 3.18.

93. An Authoritative Statement of the Law

94. *Ibid.*, para. 3.19.

95. *Monetary Gold Removed from Rome in 1943*, *op.cit.*, p. 19.

96. *Dispute Concerning Delimitation of the Maritime Boundary Between Mauritius and Maldives in the Indian Ocean (Mauritius/Maldives)*, Written Observations of the Republic of Maldives in Reply to the Written Observations of the Republic of Mauritius, International Tribunal for the Law of the Sea, 15 April 2020, para. 27.

97. *Dispute Concerning Delimitation of the Maritime Boundary Between Mauritius and Maldives in the Indian Ocean (Mauritius/Maldives)*, Preliminary Objections Judgment, International Tribunal for the Law of the Sea, 28 January 2021, para. 206.

98. *Ibid.*, para. 202.

آن می‌پردازد».<sup>۹۹</sup> با این مقدمه، شعبه ویژه به سراغ تشریح مبانی الزام‌آور نبودن ولی در عین حال معتربودن نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری می‌رود:

«شعبه ویژه ضروری می‌داند نسبت به ترسیم یک تمایز بین «سرشت الزام‌آور»<sup>۱۰۰</sup> و «ذات معتبر»<sup>۱۰۱</sup> یک نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری گام بردارد. نظر مشورتی به این دلیل الزام‌آور نیست که حتی نهاد درخواست‌کننده نیز تعهدی به تبعیت از آن ندارد، همانند تعهدی که طرفین قضایای ترافعی به پیروی از رأی دیوان دارند. اما وزن و اعتبار تصمیم‌های قضایی که در نظرات مشورتی رقم می‌خورند، نسبت به آنچه در آرای دیوان [در قضایای ترافعی] است کمتر نیست زیرا [در هر دو فرایند رسیدگی برای] تصمیم‌ها با دقت و ریزبینی «رکن اصلی قضایی» سازمان ملل متحد در موضوع‌های مربوط به حقوق بین‌الملل اخذ می‌شوند».<sup>۱۰۲</sup>

شعبه ویژه سپس به بررسی «اثر حقوقی»<sup>۱۰۳</sup> نظر مشورتی ۲۰۱۹ چاگوس می‌پردازد:

«از منظر شعبه ویژه، تصمیم‌های دیوان بین‌المللی دادگستری در یک نظر مشورتی، صرفاً به این دلیل که نظر مشورتی الزام‌آور نیست، نباید مورد بی‌اعتنایی قرار بگیرد. همان طور که به درستی در تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی چاگوس منعکس شده است، به دنبال جدایی مجمع‌الجزایر چاگوس، فرآیند استعمارزدایی موریس، وقتی که در ۱۹۶۸ به استقلال دست یافت، از نظر حقوقی به طور کامل انجام نشده است و همچنین انگلستان نیز متعهد است اداره مجمع‌الجزایر چاگوس را در اسرع وقت به پایان برساند. شعبه ویژه این تصمیم‌ها را دارای اثر حقوقی قلمداد می‌کند».<sup>۱۰۴</sup>

رأی شعبه ویژه دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در ارتباط با نظر مشورتی ۲۰۱۹ دیوان بین‌المللی دادگستری از چند جهت قابل توجه است: اول، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها جایگاه حقوقی برجسته‌ای برای نظر مشورتی دیوان قائل شده و بدون ورود ماهوی به جزئیات نظر مزبور برای ارزیابی یافته‌های دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص وضعیت حقوقی مجمع‌الجزایر چاگوس و استدلال‌های پشت آن، تنها و به صورت اجمالی به بررسی وضعیت نظرات مشورتی و آثار حقوقی آن‌ها پرداخته و یافته‌های دیوان را به صورت پیش‌فرض قبول کرده است.<sup>۱۰۵</sup> دوم، رأی شعبه ویژه دیوان بین‌المللی حقوق دریاها می‌تواند در آینده به افزایش اثر نظرات مشورتی

99. *Ibid.*

100. Binding Character

101. Authoritative Nature

102. *Ibid.*, para. 203.

103. Legal Effect

104. *Ibid.*, para. 205.

105. Gaver, Craig D., "Dispute Concerning Delimitation of the Maritime Boundary Between Mauritius and Maldives in the Indian Ocean (Mauritius/Maldives)", *American Journal of International Law (AJIL International Decisions)*, vol. 115, Issue 3, July 2021, p. 525.

منجر شود زیرا این رأی نشان داد چنانچه درخواست نظر مشورتی و نحوه استفاده از آن منطبق بر یک راهبرد حقوقی باشد، می‌تواند بر روی نتیجه اختلاف‌های طرفین یک دعوی مطروح در محاکم قضایی و حتی داوری دیگر نیز اثرگذار باشد؛<sup>۱۰۶</sup> نبرد حقوقی میان موافقان و مخالفان بسط و قبض آثار حقوقی نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در این خصوص اجتناب‌ناپذیر است. سوم، از فحوای کلام رأی شعبه ویژه دیوان بین‌المللی حقوق دریاها این طور حاصل می‌شود که استدلال شعبه مزبور در برابردانستن آثار حقوقی نظرات مشورتی با آرای ترافی دیوان بین‌المللی دادگستری بر این پایه استوار است که در صورتی که اختلاف بین انگلستان و موریس در خصوص مجمع‌الجزایر چاگوس در قالب دعوا در دیوان رسیدگی می‌شد و منجر به صدور رأی ترافی می‌شد، در ماهیت تفاوتی با آنچه در نظر مشورتی منعکس شده نمی‌داشت؛ بنابراین، برداشت شعبه ویژه این بوده است که اثر حقوقی یافته دیوان در نظر مشورتی ۲۰۱۹ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «پیامدهای حقوقی جدایی مجمع‌الجزایر چاگوس از موریس در ۱۹۶۵» با اثر حقوقی آن در فرض رسیدگی قضایی یکسان است، هر چند در این فرض، خود نظر مشورتی الزام‌آور نخواهد بود.

### نتیجه

نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری و آثار حقوقی آن‌ها را باید یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات حقوق بین‌الملل برشمرد که از جنبه‌های مختلف، محل بحث و تأمل است. اما آنچه می‌توان به‌صراحت در خصوص آثار حقوقی نظرات مشورتی بیان کرد، این است که نمی‌توان در خصوص آثار حقوقی تمام نظرات مشورتی، حکم واحد صادر کرد، بلکه باید معیارها و ضوابطی را تعیین نمود که با کمک آن‌ها وزن آثار حقوقی هر نظر مشورتی، جداگانه ارزیابی و بررسی شود. بر این اساس می‌توان از کمک معیارهای ذیل برای ارزش‌گذاری نظرات مشورتی دیوان استفاده کرد:

اولین و مهم‌ترین نکته‌ای که در خصوص آثار حقوقی نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری و وزن و اعتبار مربوط به آن‌ها باید مورد توجه قرار بگیرد، منشأ و محتوای نظرات مشورتی است. نظرات مشورتی به خودی خود دارای اثر حقوقی نیستند، بلکه اثر حقوقی، وزن و اعتبار آن‌ها منبعت از اثر حقوقی و وزن و اعتبار موضوعی است که در خصوص آن از دیوان درخواست نظر مشورتی شده است. بنابراین، زمانی که نظرات مشورتی دیوان مربوط به «شناسایی و انعکاس یک قاعده الزام‌آور عرفی یا معاهداتی و تفسیر آن» باشد، دولت‌ها نمی‌توانند نظر دیوان را به صرف اینکه نظرات مشورتی برای آنان الزام‌آور نیست، نادیده بگیرند زیرا نظر دیوان در حقیقت، انعکاسی از بیان وضعیت یک قاعده الزام‌آور عرفی یا معاهداتی است که دیوان

آن را تفسیر و تحلیل کرده است. همان طور که دیوان خود بیان می‌دارد، رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد، نقش قانونگذاری ندارد، بلکه تنها نسبت به بیان حقوق موجود اقدام می‌کند و در این مسیر (بیان و اجرای حقوق) لزوماً باید محدوده آن را مشخص و گاه به گرایش کلی آن توجه کرد.<sup>۱۰۷</sup> بنابراین، استدلال آن دسته از دولت‌ها و حقوق‌دانان که آثار حقوقی نظرات مشورتی را فاقد الزام‌آوری برای دولت‌ها قلمداد می‌کنند باید در پرتو منشأ موضوعی که دیوان نسبت به آن نظر مشورتی صادر کرده است، مورد توجه قرار گیرد.

دوم، وحدت نظر در بین قضات دیوان در قبال موضوعات پرسیده شده می‌تواند وزن و اعتبار نظرات مشورتی را افزایش دهد. این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که قضات دیوان «بدون توجه به ملیت آن‌ها از میان کسانی انتخاب می‌شوند که عالی‌ترین مقام اخلاقی را دارا بوده، هریک واجد ویژگی‌هایی باشند که برای انجام مشاغل عالی قضائی در کشور خود لازم است؛ یا از جمله متبحرین در علم حقوق باشند که تخصص‌شان در حقوق بین‌الملل شهرت بسزایی دارد»<sup>۱۰۸</sup> و «انتخاب‌کنندگان [قضات دیوان بین‌المللی دادگستری از میان نامزدها] باید مدنظر داشته باشند اشخاصی که برای عضویت دیوان بین‌المللی دادگستری تعیین می‌شوند، نه تنها باید شخصاً دارای ویژگی‌های مقرر باشند، بلکه مجموعاً بتوانند نماینده اقسام بزرگ تمدن‌ها و مهم‌ترین نظام‌های قضائی جهان نیز باشند».<sup>۱۰۹</sup> بنابراین، با در نظر گرفتن شروط انتخاب قضات دیوان و جایگاه برجسته آنان در حقوق بین‌الملل، اجماع نظر ایشان در مورد یک موضوع خاص، به ایجاد یک دکترین معتبر منتهی خواهد شد. جایگاه چنین دکترینی، بخصوص در پرتو بند (د) پاراگراف ۱ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری که تصمیمات قضائی و عقاید برجسته‌ترین متخصصان [حقوق بین‌الملل] ملل مختلف را به منزله وسایل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی در زمره منابع حقوق بین‌الملل درج نموده است،<sup>۱۱۰</sup> باید مورد توجه قرار بگیرد. برای نمونه، در بخش اجرایی نظر مشورتی ۲۰۱۹ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «پیامدهای حقوقی جدایی مجمع‌الجزایر چاگوس از موریس در ۱۹۶۵»، قضات دیوان با نسبت ۱۳ رأی موافق به ۱ رأی مخالف در خصوص «غیرقانونی بودن روند استعمارزدایی موریس»<sup>۱۱۱</sup> و «تعهد بریتانیا به پایان بخشیدن به اداره مجمع‌الجزایر چاگوس»<sup>۱۱۲</sup> تصمیم‌گیری کردند که اتفاق نظر قریب به اکثریت قضات دیوان، دلالت بر وضعیت حقوقی مشخص مجمع‌الجزایر چاگوس از منظر

107. *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996, p. 237, para. 18.

108. Statute of the International Court of Justice, *op.cit.*, Art. 2.

109. *Ibid.*, Art. 9.

110. *Ibid.*, Art. 38(1(d)).

111. *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, *op.cit.*, p. 140, para. 183(3).

112. *Ibid.*, p. 140, para. 183(4).



حقوق بین‌الملل دارد. اما مفهوم مخالف این استدلال (وحدت نظر قضات در خصوص یک موضوع یا وضعیت) نیز قابل تأمل و بررسی است؛ یعنی در جایی که قضات دیوان در خصوص یک موضوع و وضعیت دچار اختلاف جدی شوند، نشان از این دارد که امکان شکل‌گیری یک دکترین معتبر و نافذ در خصوص موضوع مربوط بسیار دشوار خواهد بود. برای مثال، در نظر مشورتی «قانونی بودن تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای»، در خصوص متوسل‌شدن به حمله هسته‌ای در مقام توسل به دفاع مشروع، دیوان بیان داشت که «[...] نمی‌تواند به‌طور قطعی اذعان نماید که تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در موارد شدید دفاع مشروع که در آن بقای یک کشور در معرض خطر خواهد بود، قانونی یا غیرقانونی است»<sup>۱۱۳</sup> که این رویکرد با نسبت ۷ رأی موافق به ۷ رأی مخالف قضات دیوان، با رأی تعیین‌کننده رئیس دیوان، صادر شد. اختلاف نظر در خصوص موضع اتخاذی در این نظر مشورتی به قضات دیوان محدود نشد و این نظر مشورتی با انتقاد شدید حقوق دانان روبه‌رو شد.<sup>۱۱۴</sup>

سوم، عملکرد بعدی دولت‌ها در استناد به نظرات مشورتی در مراجع دآوری و محاکم ملی و بین‌المللی است که حداقل برای دولت‌های استنادکننده به نظرات مشورتی دیوان، ایجاد تعهد خواهد کرد و در روابط بین آن‌ها دارای اعتبار خواهد بود؛ و اگر این استناد از سوی دولت‌های متعدد صورت گیرد، در نهایت به عرف تبدیل خواهد شد. این موضوع در خصوص اعلامیه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز به نحو دیگری صادق است.<sup>۱۱۵</sup>

چهارم، تکرار استدلال‌ها و تأیید مواضع مطرح در نظرات مشورتی دیوان در آرای مراجع قضایی بین‌المللی (آرای ترافعی و نظرات مشورتی دیگر دیوان بین‌المللی دادگستری، آرای مراجع قضایی دیگر از جمله دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها) و حتی مراجع قضائی ملی از یک سو بر اهمیت و اثرگذاری نظرات مشورتی دیوان می‌افزاید و از سوی دیگر می‌تواند به شکل‌گیری وحدت رویه در میان مراجع قضائی اعم از بین‌المللی و ملی در خصوص یک موضوع خاص منتهی شود.

113. *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, op.cit.*, p. 263, para. 97.

114. Hubbard, Christopher, *A Critique of the Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, 8 July 1996: The Nuclear Weapons Case, B.A. Thesis, Edith Cowan University, 1997.

115. جمشید ممتاز؛ «اعلامیه‌های مجمع عمومی: جلوه‌ای جدید از تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل»، منتشرشده در: مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱، ص ۴۸.

## منابع:

## الف. فارسی

## - کتاب

رضادوست، وحید، دیوان بین‌المللی دادگستری: ساختار استدلالی، رویه قضایی، سیاست حقوقی، تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۴۰۱.

## - مقاله

۱. شافع، میرشهبیز؛ «رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، دوره ۴۱، شماره ۰ - شماره پیاپی ۱۰۵۴، پاییز ۱۳۷۷.
۲. ممتاز، جمشید؛ «اعلامیه‌های مجمع عمومی: جلوه‌ای جدید از تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل»، منتشر شده در: مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.

## ب. انگلیسی

## - Books

1. Aljahjoub, Mahasen M., *The Advisory Function of the International Court of Justice 1946–2005*, Berlin: Springer-Verlag, 2006.
2. Cassese, Antonio, "The International Court of Justice: It is High Time to Restyle the Respected Old Lady", In: Cassese, Antonio (ed.), *Realizing Utopia: The Future of International Law*, Oxford University Press, 2012.
3. Crawford, James, *Brownlie's Principles of Public International Law*, Oxford: Oxford University Press, Ninth Edition, 2019
4. Hubbard, Christopher, *A Critique of the Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, 8 July 1996: The Nuclear Weapons Case, B.A. Thesis, Edith Cowan University, 1997.
5. International Court of Justice (ICJ), *The International Court of Justice: Handbook*, 31 December 2018 (last update).
6. Oellers-Frahm, K., Article 96, In: B. Simma, B., Khan, D. E., Nolte, G., Paulus, A. (eds.), *The Charter of the United Nations: A Commentary*, vol. II, 3rd ed., 2012.
7. Rosenne, Shabati, *The International Court of Justice. An Essay in Political and Legal Theory*, A.W. Sythoff, 1961.

**- Articles**

1. Ago, Roberto, "'Binding" Advisory Opinions of the International Court of Justice", *The American Journal of International Law*, vol. 85, No. 3, July, 1991.
2. Eichberger, Fabian Simon, "The Legal Effect of ICJ Advisory Opinions Redefined? The Mauritius/Maldives Delimitation Case — Judgment on Preliminary Objections", *Melbourne Journal of International Law*, vol. 22, No. 2, July 30 2021.
3. Gaver, Craig D., "Dispute Concerning Delimitation of the Maritime Boundary Between Mauritius and Maldives in the Indian Ocean (Mauritius/Maldives)", *American Journal of International Law (AJIL International Decisions)*, vol. 115, Issue 3, July 2021.
4. Guilfoyle, Douglas, "The Chagos Archipelago before International Tribunals: Strategic Litigation and the Production of Historical Knowledge", *Melbourne Journal of International Law*, vol. 21, 2021
5. Mayr, Teresa F., Mayr-Singer, Jelka, "Keep the Wheels Spinning: The Contributions of Advisory Opinions of the International Court of Justice to the Development of International Law", *Heidelberg Journal of International Law*, vol. 76, 2016.
6. Webb, Philippa, "The United Kingdom and the Chagos Archipelago Advisory Opinion: Engagement and Resistance", *Melbourne Journal of International Law*, vol. 21, 2021

**- Treaties**

1. Covenant of the League of Nations, 28 June 1919 (entered into force 10 January 1920).
2. Charter of the United Nations, 26 June 1945 (entered into force 24 October 1945).
3. Statute of the International Court of Justice, 24 October 1945.

**- Judgments, Orders, and Advisory Opinions (and Related Materials)**

1. *Accordance with International Law of the Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2010.
2. Declaration of Judge Gevorgian, *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019.
3. Declaration of Judge Tomka, *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019.
4. *Dispute Concerning Delimitation of the Maritime Boundary Between Mauritius and Maldives in the Indian Ocean (Mauritius/Maldives)*, Written Preliminary Objections of the Republic of Maldives Under

Article 294 of the United Nations Convention on the Law of the Sea and Article 97 of the Rules of the International Tribunal for the Law of the Sea, International Tribunal for the Law of the Sea, 18 December 2019.

5. *Dispute Concerning Delimitation of the Maritime Boundary Between Mauritius and Maldives in the Indian Ocean (Mauritius/Maldives)*, Written Observations of the Republic of Mauritius on the Preliminary Objections Raised by the Republic of Maldives, Volume I, International Tribunal for the Law of the Sea, 17 February 2020.
6. *Dispute Concerning Delimitation of the Maritime Boundary Between Mauritius and Maldives in the Indian Ocean (Mauritius/Maldives)*, Written Observations of the Republic of Maldives in Reply to the Written Observations of the Republic of Mauritius, International Tribunal for the Law of the Sea, 15 April 2020.
7. *Dispute Concerning Delimitation of the Maritime Boundary Between Mauritius and Maldives in the Indian Ocean (Mauritius/Maldives)* Preliminary Objections Judgment, International Tribunal for the Law of the Sea, 28 January 2021.
8. Dissenting Opinion of Judge Donoghue, *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019.
9. Dissenting opinion of Judge Gerald Fitzmaurice, *Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970)*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1971.
10. *Interpretation of Peace Treaties (with Bulgaria, Hungary and Romania)*, Advisory Opinion (1), I.C.J. Reports 1950.
11. Judgment No. 2867 of the Administrative Tribunal of the International Labour Organization upon a Complaint Filed against the International Fund for Agricultural Development, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2012.
12. *Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970)*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1971.
13. *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004.
14. *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019.
15. *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996.
16. *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)*, Jurisdiction and Admissibility, Judgment, I.C.J. Reports 1984.

17. *Monetary Gold Removed from Rome in 1943* (Italy v. France, United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland and United States of America), Judgment, I.C.J. Reports 1954.
18. Separate Opinion of Judge Azevedo, *Interpretation of Peace Treaties (with Bulgaria, Hungary and Romania)*, Advisory Opinion (1), I.C.J. Reports 1950.
19. Separate Opinion of Judge Dillard, *Western Sahara*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1975.
20. Separate Opinion of Judge Sir Gerald Fitzmaurice, *Certain expenses of the United Nations (Article 17, paragraph 2, of the Charter)*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1962.
21. *South West Africa (Ethiopia v. South Africa/ Liberia v. South Africa) (II)*, Judgment, I.C.J. Reports 1966.
22. *Status of Eastern Carelia*, Advisory Opinion, PCIJ, 23 July 1923.
23. *Western Sahara*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1975.

#### - UN Documents

1. Advisory opinion of the International Court of Justice on the *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, GA Res. 73/295, UN Doc. A/RES/73/295 (2019).
2. Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples, GA Res. 1514, UN Doc. A/RES/1514(XV) (1960).
3. Declaration on the Prevention and Removal of Disputes and Situations Which May Threaten International Peace and Security, GA Res. 43/51, UN Doc. A/RES/43/51 (1988).
4. Question of the Mauritius, GA Res. 2066, UN Doc. A/RES/2066(XX) (1965)
5. Request for an Advisory Opinion of the International Court of Justice on the *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, GA Res. 71/292, UN Doc. A/RES/71/292 (2017).
6. *The Corfu Channel incidents*, SC Res. 22, UN Doc. S/RES/22 (1947).

#### - Speeches

1. Speech of His Excellency Judge Abdulqawi Ahmed Yusuf, President of the International Court of Justice, to The Security Council, 18 December 2020 (Upholding international law within the context of fostering close co-operation between the International Court of Justice and the Security Council).
2. Speech of Judge Joan E. Donoghue, President of the International Court of Justice, on the occasion of the seventy-fifth anniversary of the Court (video message), 18 December 2020.

---

- Online

1. Thin, Sarah, "The Curious Case of the 'Legal Effect' of ICJ Advisory Opinions in the Mauritius/Maldives Maritime Boundary Dispute", *EJIL: Talk! - Blog of the European Journal of International Law*, 5 February 2021, Available at: <https://www.ejiltalk.org/the-curious-case-of-the-legal-effect-of-icj-advisory-opinions-in-the-mauritius-maldives-maritime-boundary-dispute/>, last seen 8th October 2022.